

# اصحاب صُفّه

محمد نقی رفعت نژاد

اصحاب صُفّه، گروهی از صحابه فقیر بودند که در سکوی<sup>۱</sup> سر پوشیده‌ای به نام «صُفّه» در مسجد پیامبر ﷺ سکونت داشتند. صُفّه در لغت<sup>۲</sup> به معنای سایه است، همچنین به معنای<sup>۳</sup> اتاق تابستانی، که با شاخه‌های نخل پوشیده شده باشد، نیز گفته‌اند. در اصطلاح، به مکان<sup>۴</sup> سایه‌داری گفته می‌شود که در قسمت<sup>۵</sup> شمالی مسجد پیامبر ﷺ برای سکونت اصحاب صُفّه<sup>۶</sup> (ظله) در نظر گرفته شده بود.

در برخی<sup>۷</sup> تفاسیر آمده است که اهل صُفّه ابتدا در مسجد پیامبر ﷺ زندگی می‌کردند، ولی از آن رو که سکونت در آنجا با شأن مسجد سازگار نبود، دستور داده شد که به صُفّه - که در بیرون مسجد قرار داشت - منتقل شوند.

در تفسیر کشف الأسرار<sup>۸</sup> در وجه تسمیة اصحاب صُفّه آمده است: قوم درویشی بودند که در صُفّه پیامبر ﷺ که آن را قبا می‌خوانند، زندگی می‌کردند و از مدینه تا آنجا دو فرسنگ فاصله است. بعضی، صوفیه را به اهل صُفّه نسبت داده‌اند که سخن درستی نیست؛ زیرا نسبت صُفّه در عربی «صُفّی» است نه «صوفی». عنوان اهل صُفّه را ظاهراً خود پیامبر ﷺ برای این جماعت به کار برده‌اند و آنگاه که ایشان را زیارت می‌کردند، می‌فرمودند: «السلام علیکم یا اهل الصُفّه».

صُفّه‌نشینان، بیشتر از مهاجرین<sup>۹</sup> قریش بودند، که به جهت ترک<sup>۱۰</sup> خانه و دیارشان

و دور شدن از اهل و عیال خویش و نداشتن منزل<sup>۱۱</sup> و مأوا، در مدینه، در پناه پیامبر خدا ﷺ زندگی می کردند.

در برخی از تفاسیر<sup>۱۲</sup> نقل شده است که فقرای مهاجر، شامل همه فقیران مهاجر (از قریش و دیگر فقرای مهاجر) بودند.  
در قرآن کریم<sup>۱۳</sup> از آنان به عنوان فقرای مهاجری که در راه خدا فرو مانده اند، یاد شده است.

راویان<sup>۱۴</sup> شمار اصحاب صفة را گونه گون گفته اند؛ گروهی آنان را ده نفر، دسته ای سی نفر و حتی نود و دو نفر، نود و سه نفر تا چهار صد نفر نیز ذکر کرده اند. شاید به جهت کم و زیاد شدنشان، عدد ثابتی نداشته اند.<sup>۱۵</sup> برخی نیز آمار ایشان را چهل تن ذکر کرده اند. ظاهراً نوسان در تعداد آنها، به جهت اختلاف ایام و احوال بوده است و به نظر می رسد از اول تا آخر، مجموع افرادی که در صفة زیسته اند، بیش از چهار صد نفر بوده است.<sup>۱۶</sup>

از افراد معروف اصحاب صفة، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، بلال و حذیفه، خباب بن ارت، حنظله بن ابی عامر، ابو عبیده عامر بن عبدالله بن الجراح، سعد بن ابی وقاص، ابو لبابه انصاری و... را می توان نام برد.<sup>۱۷</sup>

### پیامبر ﷺ و اصحاب صفة:

پیامبر ﷺ مددکار اصحاب بود و در مشکلات و غم، همراهی شان می کرد. پیوسته به آنها سر می زد و مورد تفقدشان قرار می داد و گاهی خود برای آنان طعام می بردند و بعضاً با آنها هم نشین می شدند و غذا می خوردند.<sup>۱۸</sup> به هنگام شب آنها را دعوت می کردند و بین سایر اصحاب خویش برای نگهداری تقسیم می کردند.<sup>۱۹</sup> بنا به نقلی، صحابی معروف سعد بن عباده در هر شب از هشتاد نفر میزبانی می کرد.<sup>۲۰</sup> برخی از آنها نیز، شب میهمان پیامبر ﷺ می شدند.<sup>۲۱</sup> پیامبر ﷺ آنها را اضياف اسلام (میهمانان اسلام) لقب دادند.<sup>۲۲</sup>

ابوذر می گوید: من از اصحاب صفة بودم، وقتی شب می شد، در کنار خانه پیامبر ﷺ حاضر می شدم و پیامبر به میزبانی هر یک از اصحاب صفة امر می کردند تا اینکه بیش از

۱۰ نفر باقی نمی ماند، که آنها را شخصاً پذیرایی می کردند و در موقع استراحت، می فرمودند که در مسجد بخوابید. ۲۳

پیامبر ﷺ مددکار اصحاب بود و در مشکلات و غم، آنان را همراهی می کرد. پیوسته به ایشان سر می زد و مورد تفقدشان قرار می داد و گاهی خود برای آنان طعام می بردند و بعضاً با آنها هم نشین می شدند و غذا می خوردند.

### فقر و تنگدستی اصحاب صفة:

شدت تنگدستی در میان اصحاب صفة به حدی بود که در برخی آیات، از آنان با عنوان «فقرا» یاد شده است. هیچگاه دو نوع لباس و طعام برای اهل صفة فراهم نبود. ۲۵ جیره ای بیش از یک چارک خرما در روز نداشتند ۲۶ و با آن رفع گرسنگی می کردند. بیشتر آنها برهنه بودند و خودشان را در ریگ پنهان می کردند و چون وقت نماز می شد، آن گروه که لباس داشتند، نماز می خواندند و بعد به گروه دیگری برای اقامه نماز می دادند. ۲۷

ابو هریره می گوید: من هفتاد نفر از اهل صفة را دیدم که در لباس واحد نماز می خواندند. در روایتی دیگر نیز از او اینگونه نقل شده است: من ۳۰ نفر از اصحاب صفة را دیدم که بدون ردا (هیچگونه پوششی) پشت سر پیامبر ﷺ نماز می خواندند. ۲۸

ترغیب در دادن صدقات به آن دسته از نیازمندان، که در راه خدا در تنگنا قرار گرفته اند و برای تأمین هزینه زندگیشان از مسافرت در روی زمین ناتوانند، در آیه ۲۷۳، بقره ﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ...﴾ و آیه ۸، سوره حشر مطرح است و اتفاق کردن به آنها به عنوان عمل خیری که خداوند از آن آگاه است، در این آیه آمده است.

این آیه دلالت دارد که اهل صفة سزاوارترین مردم برای گرفتن صدقه هستند. ۲۹ وقتی به پیامبر ﷺ تحفه ای آورده می شد، می پرسیدند: صدقه است یا هدیه؟ اگر در پاسخ می گفتند صدقه است، آن را به اهل صفة می دادند و اگر می گفتند هدیه است می پذیرفتند

و آن را میان اصحاب صفة تقسیم می‌کردند.<sup>۳۰</sup>

در حدیثی نقل شده است که وقتی امام حسین علیه السلام به دنیا آمدند. حضرت فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند از طرف او قربانی کنیم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به جای ذبح قربانی، سر او را بتراش و به مقدار وزن موی سرش، نقره‌ای را به اوفاض (اهل صفة) و مساکین صدقه بده.

در بعضی روایات آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در ازای درخواست حضرت فاطمه علیها السلام که خادمی برای کمک کردن در کارهای منزل برای او تعیین کند، تسیحات معروف فاطمه زهرا علیها السلام را به ایشان آموختند.<sup>۳۱</sup> در برخی نقل‌ها<sup>۳۲</sup> نیز آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل این درخواست، فرمودند: «به خدا سوگند چنین کاری را نمی‌کنم در حالی که اهل صفة از شدت گرسنگی، شکمهایشان در هم فرو رفته و خالی باشد.»

در کشف الأسرار نقل شده است که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله طعام حاضری را در پیش داشت و این سوگند را در مورد بعضی اهل بیت خویش فرمودند.<sup>۳۳</sup>

### شمه‌ای از اوصاف و فضایل اصحاب صفة:

در قرآن برای اهل صفة اوصافی ذکر کرده و به بعضی از آنها تصریح کرده است؛ مانند:

۱. محصور بودن (بازماندن<sup>۳۴</sup> از تأمین معاش) در راه خدا؛ «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ...».

۲. تعفف و پنهان داشتن<sup>۳۵</sup> فقر خویش از دیگران؛ «...يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ...».

۳. ظهور علامت فقر از وضع و احوالشان؛ «...تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ...».

۴. درخواست نکردن چیزی از مردم با اصرار؛ «...لَا يَسْتَلُونَ النَّاسَ إِخْفَاءً...»<sup>۳۶</sup>.

۵. ترس<sup>۳۷</sup> از خدا و روز جزاء؛ «وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ...».

۶. نداشتن یار و شفیع جز خدا؛ «...لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ...».

۷. دعا و عبادت خداوند در بامدادان و شامگاهان؛ «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ».



بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ...».

۸. جلب رضای پروردگار؛ «...يُرِيدُونَ وَجْهَهُ...» آیات ۵۱ تا ۵۲ انعام، برخی از این اوصاف در آیه ۲۸ کهف نیز آمده است.

۹. مهاجر بودن و رانده شدن از خانه‌ها و اموال خویش؛ «لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ...».

۱۰. طلب کنندگان فضل و خشنودی پروردگار؛ «...يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا...».

۱۱. یاری کنندگان خدا و رسول؛ «...وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...».

۱۲. راستگویی؛ «...أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ...»<sup>۳۸</sup>.



از اوصاف اصحاب صفة در احادیث و تفاسیر<sup>۳۹</sup> نیز آمده است؛ مانند: جهاد در راه خدا، زودتر از دیگران سلاح برگرفتن، شرکت در تمامی غزوات به همراه پیامبر ﷺ، آموزش قرآن و طلب علم، زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، ایثار، صبر، قناعت، عبادت در مسجد تا دیر هنگام، ملازم بودن با پیامبر ﷺ، سرشار بودن و جودشان از عشق به پیامبر ﷺ، خویشتن را محتاج حق دانستن در همه حال، توانگر شدن با الطاف حق و بی‌نیاز شدن از مردم...

در روایتی<sup>۴۰</sup> از پیامبر ﷺ نقل شده است که روزی آن حضرت تنگدستی و زندگی سخت و تلاش اصحاب صفة را دید و به آنها دلخوشی داده، فرمودند: «بشارت باد بر شما (وعده‌های الهی)، هرکس از امتم، مرا ملاقات کند بر آن اوصافی که شما برخوردار

از آن هستید و راضی به آنچه باشد که به او داده شده است، او از رفقای من خواهد بود. در روایت دیگری نیز از آن حضرت آمده است: اولین کسانی که داخل بهشت خواهند شد، فقرای مهاجرین از مدینه می‌باشند.<sup>۴۱</sup> در برخی کتب<sup>۴۲</sup> نیز، ویژگیهای دیگری برای اصحاب صفه ذکر شده است.

جهاد در راه خدا، زودتر از دیگران سلاح بر گرفتن، شرکت در تمامی غزوات به همراه پیامبر ﷺ، آموزش قرآن و طلب علم، زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، ایثار، صبر، قناعت.

### اصحاب صفه در قرآن (شأن نزول)

در کتب تفاسیر، آیاتی در شأن نزول اصحاب صفه آمده است:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾<sup>۴۳</sup>

«(انفاق شما) برای نیاز مندانی است که در راه خدا فرو مانده‌اند و (به جهت تأمین هزینه زندگی) نمی‌توانند سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع آنان را توانگر می‌پندارد، آنها را از سیمایشان می‌شناسی و هرگز با اصرار چیزی را از مردم نمی‌خواهند. هرچیز خوبی را (به آنها) انفاق کنید، خداوند از آن آگاه است.»

در بیشتر منابع آمده است که مراد از فقرا در این آیه، اصحاب صفه هستند و به جهت فقرشان، آیه در ترغیب دادن صدقات به آنها نازل شده است. همچنانکه آیه ۸ سوره حشر نیز در این باره (اختصاص غنایم و مانند آن نخست به فقرای مهاجرین) نازل شده است:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ \* وَالَّذِينَ تَبَوَّؤْا

الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِثُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۴۴</sup>

«این اموال برای فقیران مهاجری است که از دیار و اموال خویش رانده شدند، در حالی که خواستار فضل الهی و خشنودی او می‌باشند و خدا و رسولش را یاری می‌کنند و آنها راستگویانند و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان، پیش از مهاجران سکنی گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند و کسانی که از بخل و حرص نفس باز داشته شده‌اند رستگار اند.»

در شأن نزول آیه: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...﴾ آمده است که روزی پیامبر ﷺ فردی از اصحاب صفا را به شخصی از انصار، برای میزبانی سپردند، آن شخص نیز او را به خانه خویش، پیش اهل و عیالش برد و از همسرش پرسید: چیزی در خانه داریم؟ او گفت: به غیر از غذای فرزندانمان، چیزی نداریم. شوهر گفت: وقتی آنها را خواباندی، چراغ را روشن کن و طعام آنها را برای میهمانان بیاور. شخص انصاری این چنین میزبانی کرد، وقتی فردای آن روز پیش پیامبر ﷺ رفت. حضرت ﷺ فرمودند: این کار شما دو نفر، اهل آسمان را به شگفتی و تعجب انداخت و آنگاه آیه: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...﴾ نازل گردید.

وَ أَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ \* وَ لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ»<sup>۴۵</sup>

«و به و سیله این (قرآن)، کسانی را که بیم دارند به سوی پروردگارشان محشور شوند، بیم ده، (چرا) که غیر خدا برای آنان یار و شفיעی نیست، شاید که پرهیزگار شوند و کسانی را که بامدادان و شامگاهان پروردگار خود را

می خوانند و خشنودی او را طلب می کنند، مران. نه چیزی از حساب آنها بر توست و نه چیزی از حساب تو بر آنها. پس اگر آنها را طرد کنی از ستمکاران خواهی بود.»

در برخی تفاسیر<sup>۴۶</sup> در شأن نزول این آیات آمده است: پیامبر ﷺ به جهت انس و الفتی که با اصحاب صغه داشتند، اغنیا و مترفین، به شرطی حاضر بودند پیش پیامبر ﷺ بیایند و مصاحبش باشند که آن حضرت این اصحاب را از نزد خویش دور کند. روزی یکی از آنها، که از انصار بود، در فاصله دوری از پیامبر ﷺ نشست، حضرت فرمودند: جلوتر بیاید، ولی او اعتنایی نکرد. در این حال پیامبر ﷺ فرمودند: شاید می ترسی فقر این صحابی به تو برسد. او گفت: این فقرا را از پیش خود دور کن تا کنارت بنشینیم! در این هنگام آیات ۵۱ و ۵۲ سوره انعام نازل گردید و خداوند پیامبر ﷺ را به خاطر آنها سرزنش کرد.

در مورد آیه ۲۸ سوره کهف، نیز شأن نزول مشابهی در مورد بعضی اصحاب پیامبر ﷺ (سلمان، بلال، ابوذر و دیگر مسلمانان فقیر) نازل شده است، ولی تصریح به اصحاب صغه بودن آنها در تفاسیر و دیگر منابع و شأن نزول نشده است.

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ...﴾<sup>۴۷</sup>

«و اگر خداوند روزی را برای بندگانش وسعت بخشد، مسلماً در زمین عصیان می کنند. از این رو، به مقداری که می خواهد (و مصلحت می داند) فرو می فرستد، به راستی که او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست.»

در بیشتر منابع،<sup>۴۸</sup> شأن نزولی برای آیه ۲۷ شوری در مورد اصحاب صغه آمده است که به جهت تنگدستی و ضیق مادی و فشار امور معیشتی بر آنها و سختی تحمل آن، آرزوی وسعت و گشایش رزق و روزی را داشتند که این آیه نازل گردید و خداوند مفساد و تبعات سوء آن را به بندگانش گوشزد کرد. در برخی منابع<sup>۴۹</sup> برای آیه ۳ سوره نور، به نقل از برخی، شأن نزولی برای اصحاب صغه ذکر شده است. در مدینه، زنان زانیه و نابکاری زندگی می کردند که برخوردار از مسکن و دیگر امکانات معیشتی بودند،



اصحاب صفة به جهت بهره‌مند شدن از امکانات مادی آنها، پیشنهاد ازدواج به این زنان فاجره را دادند و قصد ازدواج با آنها را داشتند که آیه زیر نازل گردید:

روزی پیامبر ﷺ فردی از اصحاب صفة را به شخصی از انصار، برای میزبانی سپردند، آن شخص نیز او را به خانه خویش، پیش اهل و عیالش برد و از همسرش پرسید: چیزی در خانه داریم؟ او گفت: به غیر از غذای فرزندانمان، چیزی نداریم. شوهر گفت: وقتی آنها را خواباندی، چراغ را روشن کن و طعام آنها را برای میهمانمان بیاور.

«الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»

«مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک از دواج نمی‌کند و زن زناکار را نیز جز مرد زناکار یا مشرک کسی (از شما) حق از دواج با او را ندارد (چراکه) ازدواج با زنان نابکار و فاجره برای مؤمنان حرام شده است.»

\*\*\*

### ○ پی‌نوشت‌ها:

۱. نمونه، ج ۲۰، ص ۴۴۷
۲. لسان العرب، ج ۷، ص ۳۶۴
۳. نمونه، ج ۲۰، ص ۴۴۷
۴. لسان العرب ج ۷، ص ۳۶۴
۵. فرهنگ فرق اسلامی، ص ۶۲
۶. طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۲
۷. نمونه، ج ۲، ص ۳۵۵
۸. کشف الأسرار و عده الأبرار، میدی، ج ۷، ص ۴۷۴
۹. تفسیر مبهمات القرآن، ص ۲۶۸
۱۰. تفسیر التحریر و التنویر، ج ۳، ص ۷۴؛ تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۴۲۷
۱۱. کشف، ج ۱، ص ۳۱۸؛ مجمع‌البیان، ج ۲، ص ۲۰۲





۱۲. جامع البيان، ج ۲، ص ۱۳۲
۱۳. بقره: ۲۷۳
۱۴. فرهنگ فرق اسلامي، ص ۶۲
۱۵. تاريخ تصوف در اسلام، ص ۳۸
۱۶. تاريخ تصوف در اسلام، ص ۳۸
۱۷. براي آگاهی بیشتر به حلیة الاولیاء و دیگر کتب در این مورد مراجعه شود.
۱۸. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۰؛ دائرة المعارف الشیعیة العامه، ص ۵۴۱
۱۹. طبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۹۶
۲۰. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۴۱
۲۱. همان.
۲۲. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۳۹
۲۳. تفسیر قرطبی، ج ۳، ص ۲۲۰
۲۴. بقره: ۲۷۳؛ حشر: ۸
۲۵. حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۳۴۰
۲۶. با من به خانة خدا بیاید، خلیلی عراقی، محمد رضا، صص ۲۰۲ و ۲۰۳
۲۷. کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۷، ص ۴۷۴
۲۸. طبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۹۶
۲۹. تفسیر کاشف، ج ۱، ص ۴۲۷
۳۰. طبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۹۶
۳۱. طبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۱
۳۲. تاریخ الاسلام، ابراهیم حسن، حسن، ج ۱، صص ۱۵۳ و ۱۵۴
۳۳. کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۷، ص ۴۷۴
۳۴. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۵۶
۳۵. کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۱، ص ۷۴۴
۳۶. بقره: ۲۷۳
۳۷. کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۳، ص ۳۶۹
۳۸. حشر: ۸
۳۹. به کشف الأسرار و عده الأبرار، ج ۱، صص ۷۴۴ و ۷۴۵؛ کشف، ج ۱، ص ۳۱۸؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۰۲؛ تفسیر کبیر، (فخر رازی)، ج ۷، صص ۸۵-۸۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۳، صص ۲۲۰ و ۲۲۱، زبدة البیان، محقق اردبیلی، ص ۲۶۳؛ تفسیر جدید، ج ۱، سبزواری، محمد، صص ۳۵۲ و ۳۵۳
۴۰. حلیة الاولیاء، ج ۱، صص ۳۳۷-۳۴۷ و به دیگر منابع مراجعه شود.

٤١. حلية الاولياء، ج ١، ص ٣٤٧
٤٢. حلية الاولياء، اصفهاني، ابونعيم، مج ١ ص ٣٣٧-٣٤٧، تاريخ اهل الصفه، السلمي، عبدالرحمن، كشف الاسرار و عدة الابرار، ج ١ ص ٧٤٤-٧٤٦؛ كشف المحجوب، جوهرى، ص ٩٧-٩٩
٤٣. بقره: ٢٧٣
٤٤. حشر: ٨-٦
٤٥. انعام: ٥١ و ٥٢
٤٦. تفسير قمى، ج ١، صص ٢٣٠ و ٢٣١؛ مجمع البيان، ج ٤، صص ٦٢ و ٦٣
٤٧. شورى: ٢٧
٤٨. اسباب النزول، واحدى، ص ٣١٥؛ تفسير مبهمات القرآن؛ بلنسى، ج ٢، ص ٤٦٦؛ جامع البيان، مجلد ١٣ و ٢٥، ص ٤٠؛ كشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ٩، ص ٢٧
٤٩. معانى القرآن، فراء، ج ٢، ص ٢٤٥؛ تفسير قرطبي، ج ١٢، ص ١١٣